

قابلیت‌های داستان‌های مذهبی برای نمایش‌نامه‌های عروسکی

مهدیه اخوان نیک

هنر به عنوان یکی از مؤثرترین و نافذترین ابزار برای بروز و پرورش توانایی‌ها، کشف استعدادها و رشد و شخصیت کودکان و نوجوانان، همواره در آموزش و تربیت آن‌ها جایگاه و اهمیت خاصی داشته و بهره‌گیری از آن برای شناسایی و حل مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان، همیشه مورد تأکید متولیان امر بوده است. در تمام کشورها دیده می‌شود که در این زمینه، به عناوین مختلف، فعالیت‌های عظیمی در طول تاریخ انجام گرفته است.

در این میان، سمت و سوی تلاش هنری (نمایشی) را به سوی نمایش عروسکی می‌بریم؛ این گونه نمایشی همیشه از جایگاه والایی در میان مخاطبان کودک و نوجوان برخوردار بوده و به‌نظر نگارنده به‌طور قطع و یقین، هنر نمایش عروسکی، از روش‌های مؤثر و آینده‌دار در راستای پیوند دنیای کودک با سرشت و روح بالنده یک انسان موحد است.

در میان انبوه آثار ادبی پس از اسلام تا آغاز مشروطیت، اگر چه بیشتر آثار ویژه بزرگسالان است، بدون شک، کودکان و نوجوانان نیز در کنار بزرگسالان از برخی آثار ادبی استفاده می‌کردند؛ اما پرسش آن است که کدام آثار در اختیار کودکان قرار می‌گرفت و چه نشانه‌هایی برای بهره‌مندی کودکان از این آثار وجود داشته است؟ با بررسی یکایک آثار ادبی این دوره و تحلیل ساختاری و محتوایی آن‌ها، این نشانه‌ها روشن می‌شود. در گروهی از آثار در مقدمه و یا متن به‌شکلی روشن از مخاطب کودک و نوجوان یاد شده است. نویسندگان این آثار بیشتر در قالب سخن و حکایت، به فرزند خویش و در پی آن، به همه فرزندان آن دوره، پند و اندرز داده‌اند، مانند «**قابوس‌نامه**» و یا برای آموزش فرزند خود کتابی ادبی تدوین کرده‌اند، مانند «**بهارستان**». این آثار با توجه به نگرش آن دوران نسبت به کودک و نوجوان و پرورش و آموزش وی، در گروه ادبیات کودکان و نوجوانان جای می‌گیرند. در گروهی دیگر، آثاری همچون «**گلستان**» و «**مثنوی**» هستند که گرچه مخاطبان آن‌ها را بزرگسالان تشکیل می‌دهند، در برخی فصل‌ها نیز با کودک و نوجوان سخن گفته یا حکایت‌هایی پیرامون آن‌ها روایت شده است. سادگی و روانی زبان و درونمایه اثر، نشانه‌های دیگری برای یافتن آثاری است که کودکان از آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند.

رتال جامع علوم انسانی



- از ویژگی‌های این آثار می‌توان به
- (الف) زبان و بیان ساده، روان و مناسب زمان
- (ب) هماهنگی درونمایه اثر با نگرش آن دوران نسبت به کودک و نوجوان و آموزش و پرورش
- (ج) درونمایه حماسی - پهلوانی
- (د) درونمایه پهلوانی و عیاری
- (ه) درونمایه پندآمیز و اندرزگونه
- (و) درونمایه برگرفته از ادبیات عامیانه
- (ز) درونمایه تاریخی
- (ح) کودک در نقش شخصیت اصلی
- (ط) پیشینه بازنویسی: اشاره کرد.

ادبیات کودک و نوجوان، داستان‌ها، افسانه‌ها، شعرها و مثل‌های ویژه کودکان است که جزئی از ادبیات هر قوم یا ملت محسوب می‌شود و آن چه آن را از ادبیات بزرگسالان متمایز می‌کند، تفاوتی است که بین نیازها و امکانات کودکان و بزرگسالان وجود دارد. ادبیات کودک و نوجوان به تعبیری، مجموعه کتاب‌های آموزشی، آفرینش‌های کلامی و تصویری هنرمندان هر قوم است که در خور توانمندی‌های ذهنی و روانی کودکان و نوجوانان و سازگار با علاقه و نیازهای آنان و برپایه فرهنگ ملی و مذهبی هر قوم و ملت آفریده می‌شود.

هدف‌های غایی ادبیات کودک و نوجوان را چنین می‌توان برشمرد:

- (الف) شناخت خود
- (ب) شناخت خلق
- (ج) شناخت خلقت
- (د) شناخت خالق
- (ه) شناخت رابطه پدیده‌های خلقت با خالق
- (و) شناخت رابطه خالق هستی با خلق (انسان)

در دوران باستان

از نمونه‌های ادبیات اندرزی و آموزشی در ایران باستان، می‌توان به الف) اندرز کودکان: ب) اندرز آذرباد مهرسپندان: ج) اندرز اوشنر دانا: د) اندرز پوریو تکیشان: ه) رساله یوشت فریان و اخت اشاره کرد. «اوستا» مهم‌ترین کتاب دینی آن دوران به شمار می‌رفت و وظیفه هر فرد بود که آن را بخواند. کودکان و نوجوانان نیز هم‌چون افراد دیگر جامعه، بخش‌های گوناگون «اوستا» هم‌چون یسنا، گات‌ها، وندیداد و یشت‌ها را در خانواده، پرستشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها می‌خواندند. افزون بر «اوستا»، متون دینی دیگری نیز وجود داشت که بخشی از تاریخ ادبیات آن دوران به شمار می‌آیند و به انگیزه پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی نوآموزان و استوار کردن باورهای دینی آن‌ها نگاشته شده‌اند. بر اساس اسناد تاریخی و نیز چگونگی نگرش آموزش و پرورش آن دوران، کودکان و نوجوانان طبقات برگزیده در فرهنگستان‌ها یا آموزشگاه‌ها با ادبیات رسمی آن دوره، یعنی متون دینی، اندرزی و آموزشی هم‌چون پندنامه‌ها و اندرزنامه‌ها، متونی درباره آیین‌ها و رسم‌های ملی و متون تاریخی و غیر دینی آشنا می‌شدند.»^۱



گات‌ها سرود مقدس پیغمبر ایران، حضرت **سپنتمان زردشت** است. افسانه‌های دینی ایران باستان، کهن‌ترین گونه داستانی، روایتی و تاریخی ایران هستند. این افسانه‌ها که در اساطیر ایرانی ریشه دارد، شکل دهنده افسانه‌ها و باورهای ایرانیان در درازای تاریخ بوده‌اند.

بی‌گمان، بلند آوازه‌ترین افسانه دینی - حماسی ایران باستان، داستان آرش کمانگیر است. نمونه‌های دیگری از این افسانه‌ها بدین قرار است: افسانه دینی دوینی (نبرد نیکی و بدی): تیشتر واپوش، افسانه گناه و گناهکاران: رویای پرواز کیکاووس، افسانه‌ی آزمون درستی: افسانه سیاوش، افسانه دینی شگفتی و معجزه: تولد زردشت، افسانه دینی - رستاخیزی: ضحاک ماره دوش از جمله داستان‌ها و حماسه‌های عامیانه دینی می‌توان به خاوران‌نامه، رموز حمزه، ابومسلم‌نامه اشاره کرد.

داستان‌پردازی ادبیات دینی مسلمانان

در کتاب **احمد تمیم‌داری** آمده: داستان‌ها و افسانه‌های دینی ایران از روایت‌های مزدیسنايي - مانوی، به روایت‌های

سامی - اسلامی دگرگون شد. بیشتر قصه‌های قرآن، از روایت‌های موجود در دین‌های سامی، چون یهودی و مسیحی سرچشمه گرفته است. روایت‌هایی چون روایت آدم و حوا و یوسف، در اصل از آن دین‌های سامی پیش از اسلام است که برخی از آن‌ها با دگرگونی‌هایی اندک در قرآن تکرار شده. جنبه تخیلی این قصه‌ها بسیار برجسته است. تخیل جاندار و کهن‌الگوهایی که در این داستان‌ها وجود دارد، آن‌ها را در گروه داستان‌های جهانی قرار می‌دهد. کهن‌الگوهای ابراهیم، یونس و دیگران، هر کدام در درازای تاریخ به شیوه‌های گوناگون تفسیر شده‌اند. این داستان‌ها، گروه نخست قصه‌های اسلامی را می‌سازند که به آن‌ها داستان‌های تمثیلی هم می‌گویند.

قرآن، کتاب دینی مسلمانان، از جنبه‌های داستانی بسیار غنی است. با پیوستن این گروه از روایت‌ها، مجموعه روایت‌های دینی - ادبی ایرانیان، افزون‌تر از پیش شد. این قصه‌ها، به دلیل بار پرورشی و پندآموزی بسیار گسترده، در تمامی سده‌های گذشته، یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های روایتی در ادبیات ایران بوده است. برای نمونه، شیوه اندرزی سعدی و مولوی برگرفته از بافت روایتی قرآن است.

دین اسلام نیز هم‌چون دین‌های بزرگ دیگر از نقش و تاثیر قصه در شکل‌گیری رفتار انسان آگاه است و از این مقوله هنری برای راهنمایی مسلمانان بهره گرفته است، حتی در سوره یوسف آمده است که خداوند خود را قاص (قصه‌گو) می‌خواند و خطاب به پیامبر خود محمد (ص) می‌گوید: ما بر تو قصه می‌خوانیم، بهترین قصه‌ها را، یا بهترین قصه‌خوانی را.

در حقیقت در قرآن، مجموعه‌ای از بهترین و گیراترین قصه‌ها وجود دارد. یک نمونه از آن‌ها قصه یوسف است که بی‌گمان، باید آن را یکی از شاهکارهای بزرگ قصه در جهان دانست. این قصه پیشینه‌ای بسیار کهن دارد و در **تورات** نیز آمده است. قصه موسی هم که در اصل از قصه‌های بنی‌اسرائیل است و برای نخستین بار در تورات آمده، در قرآن نیز تکرار شده است.^۱

قصه‌های قرآن ترتیب تاریخی ندارد و با قصه خلقت آدم و حوا و فرزندان آدم آغاز می‌شود. بسیاری از ریزه کاری‌ها در برخی قصه‌ها نیامده است، مفسران قرآن کریم، برای کامل کردن قصه‌ها و روایت‌ها و آوردن ریزه کاری‌ها، از منابع موجود، هم‌چون تورات بهره گرفته‌اند. گاهی نیز ریزه کاری‌های قصه، مانند قصه یوسف، به طور کامل و به زیبایی روایت شده و تصویر فراگیری از رخدادها به دست داده است. گاهی یک قصه در بخش‌های مختلف قرآن تکرار شده است، هم‌چون قصه موسی که تمامی زندگی او از پیش از زاده شدن تا رسیدن به پیامبری، با ریزه کاری‌ها در بخش‌های گوناگون قرآن بیان می‌شود.

«شخصیت‌های داستانی قرآن، از گروه‌های گوناگون اجتماعی برگزیده شده‌اند. در داستان‌ها از پیامبرانی چون آدم، نوح، ابراهیم، موسی، یوسف و عیسی از مردم و تبارهایی چون بنی اسرائیل، اصحاب سبت، عاد و ثمود از زنانی چون آسیه، مریم، زن لوط، زن بوح، زلیخا، از صاحبان حرفه‌هایی چون نجار، چوپان، بنا و سنگ‌تراش و از شخصیت‌های غیر انسانی چون جن و ملک و جانوران نام برده شده است. اما بیشترین نقش در داستان‌های قرآن، به پیامبران داده شده است.»^۲

«شخصیت‌ها گاه نقش مثبت و گاه منفی دارند. گاه پیامبرانی چون، آدم و یونس سرزنش می‌شوند و گاه از اخلاق و روابط اجتماعی سخن به میان می‌آید. در برخی داستان‌ها تصویر مثبت و درخشانی از زنان، چون آسیه و مریم و مردم عاد، چون حیث نجار و چوپان دقیانوس، ترسیم می‌شود.»^۳

یکی از کهن‌ترین متن‌های ترجمه شده به زبان فارسی که قصه‌های قرآن را به ایرانیان می‌شناساند، «تفسیر طبری» است. کتاب‌های «تفسیر طبری» و «تاریخ طبری» دو کتاب مهم از **ابوجعفر محمد بن جریر طبری** است که هر یک در زمینه خود شاهکاری بی‌همتا به شمار می‌آید. هدف **طبری** گنجانیدن چکیده همه دانش‌های عصر خود در زمینه تفسیر قرآن و تاریخ در این دو کتاب بود و به گواهی دانشمندان سده‌های بعد، با تاثیر شگرفی که این دو کتاب در تاریخ نویسی و تفسیر به جای گذاشت، به خوبی از عهده این کار بر آمد. کتاب «تفسیر طبری» به زبان عربی نوشته شد و در زمان سامانیان، به دستور **نوح بن سامانی**، گروهی از دانشمندان آن را به فارسی برگرداندند. این کتاب در سال ۳۵۲ هجری یا کمی بعد به پایان رسید. ترجمه این اثر و «تاریخ طبری»، دو متن کهن فارسی که از تندباد آشوب‌ها در امان ماندند، نمونه‌های درخشانی از سادگی و روانی و استواری نثر فارسی و سنت قصه پردازی است. **عبدالله افقی**، در «گزیده‌هایی از صور خیال در نثر فارسی» آورده است که: «**قصص قرآن مجید**»، از **ابوبکر عتیق نیشابوری** که در دوره **آب ارسلان سلجوقی** زندگی می‌کرد، نمونه دیگری از گردآوری قصه‌های قرآن است که در سال‌های بین ۴۷۰ تا ۴۸۰ هجری نوشته شده است. نثر ساده و روان این کتاب، در فراگیر شدن قصه‌های قرآن بسیار نقش داشته است. این قصه‌ها بر اساس «تفسیر سورآبادی» نوشته شده‌اند.^۴

قصه‌های قرآنی به زبان فارسی، گاه بر اساس خود قرآن و گاه بر اساس روایت‌ها و حدیث‌ها نوشته شده‌اند. بخشی از این قصه‌ها بر اساس اسرائیلیات پدید آمده و از روایت‌ها و خیرهای بنی اسرائیل یا تبار یهود، وارد فرهنگ اسلامی شده‌اند.

قصه‌های قرآنی ویژگی‌های خود را دارند. این قصه‌ها را می‌توان بر اساس کارکرد و درونمایه یا شخصیت، طبقه‌بندی کرد. قصه‌های تاریخی، واقعی و تمثیلی نمونه قصه‌هایی هستند که کارکرد شناختی دارند. از میان قصه‌هایی که بر اساس درونمایه طبقه‌بندی می‌شوند، می‌توان به قصه‌های آفرینش، کيفر گناهکاران و مبارزه دین‌داران اشاره کرد. در طبقه‌بندی قصه بر اساس

شخصیت‌های داستانی، قصه‌هایی هم‌چون قصه‌های پیامبران، قصه‌های یاران پیامبر و یا قصه‌های جانوری جای می‌گیرند. از میان همه قصه‌های قرآن، دو گروه قصه‌های پیامبران و قصه‌های جانوری، به دلیل ساختار نیرومند و سنجیده و تخیل تأثیرگذار، از دلپسندترین قصه‌ها برای کودکان و نوجوانان به شمار می‌روند: قصه آفرینش، روایت آدم و حوا، قصه‌های پیامبران (قصه نوح، قصه ابراهیم،...)، قصه‌هایی با شخصیت جانوران.

در کتاب «**حیوان در قصه‌های کودکان**» آمده است که^۷: بخشی از قصه‌های قرآن که در گروه داستان‌های تمثیلی قرار می‌گیرد، قصه‌های جانوران است. در اهمیت این قصه‌ها و شخصیت‌های جانوری همین بس که برخی از سوره‌های مهم قرآن، به نام جانورانی چون بقره (گاو)، نحل (زنبور)، نمل (مورچه)، فیل، عنکبوت و انعام (چهارپایان) خوانده می‌شود. در میان این قصه‌ها که بر اساس متن قرآن و تفسیرهای بعدی از قرآن به ما رسیده است، می‌توان از داستان‌های خر عزیز، فیل و ابرهه، نهنگ و حضرت یونس، گاو بنی اسرائیل، مورچه و حضرت سلیمان، هدهد و حضرت بلقیس نام برد. گروهی دیگر از قصه‌ها مربوط به زندگی و شیوه‌های فراخوانی مردم به اسلام به وسیله حضرت محمد (ص) و یاران اوست و در بخش داستان‌های واقعی قرار می‌گیرد. این داستان‌ها را می‌توان داستان‌های دینی _ تاریخی نام نهاد. بخشی از این قصه‌ها درباره جنگ‌ها و زندگی حضرت محمد (ص) است. در این میان، داستان جنگ‌ها از جذابیت خاصی برای کودکان و نوجوانان برخوردار بوده‌اند.^۸

درباره ضرورت شناخت ادیان و تعالیم آن‌ها از طریق نمایش، محمود حکیمی در کتاب مبانی ادبیات کودک و نوجوان این‌طور می‌نویسد:

«ادبیات کودک و نوجوان، شاخه‌ای از ادبیات تعلیمی و ادبیات دینی نیز مهم‌ترین بخش از این نوع ادبیات تعلیمی است؛ زیرا ادبیات دینی بذر اندیشه‌هایی را در ذهن کودک می‌کارد که تا پایان عمر با اوست و در اعمال و رفتار او با دیگر انسان‌ها بسیار مؤثر است و از همین‌رو، شناخت درست آموزه‌های ادیان توحیدی بسیار ضروری است.»^۹

برای نمونه به تاریخچه استفاده از این داستان‌ها در نمایش‌های عروسکی در شرق و غرب جهان اشاراتی آمده است. ابتدا به نمونه‌هایی در شرق می‌پردازیم.

در شرق

«ماه‌بهاراتا احتمالاً بین ۲۰۰ سال قبل تا ۲۰۰ سال بعد از میلاد مسیح، توسط بسیاری از شاعران تألیف شده است و در حدود نود هزار دو بیتی را شامل می‌شود. داستان آن درباره نزاع سلسله‌ای و جنگ‌های داخلی است که در قرن نهم قبل از میلاد، در کشور کوروکشترا، در نزدیکی دهلی، اتفاق افتاده است.

پنج پسر پاندو _ پاندوها _ تخت سلطنت را از آن خود می‌دانند. اما با صد فرزند دیرتاراشاترا _ کوراواها _ مواجه می‌شوند. داستان آن‌چنان جالب و پیچیده است که نود هزار دوبیتی را دربر می‌گیرد. علاوه بر این، ماه‌بهاراتا منظومه باگاوادگیتا را نیز شامل می‌شود که عبارت از گفت‌وگویی بین خدای **کریشنا** و **آرجونا**، یکی از پاندواها است. این بخش، هم‌اکنون به‌عنوان یکی از آثار عمده فلسفی و عبادتی دین هندو محسوب می‌شود.

رامایانا به همان اندازه ماه‌بهاراتا قدیمی، ولی به مقدار قابل ملاحظه‌ای کوتاه‌تر از آن است. **راما**، شاهزاده محبوب، پس از آن‌که تختش غصب می‌شود، به همراه همسرش **سیتا** به تبعید می‌رود. **راوانا**، حکمران ده سر سیلان، به‌طریقی جادویی **سیتا** را می‌رباید. **سوگریوا** _ پادشاه میمون‌ها _ به کمک **راما** می‌شتابد، ولی بعداً پشیمان می‌شود. پسر او، سردار **هانومان**، به‌رحال پلی تا سیلان می‌سازد، **سیتا** را نجات می‌دهد و بر شیاطین **راوانا** غلبه می‌کند.^{۱۰}

این خلاصه‌ای بسیار مختصر از موضوع دو حماسه بسیار مهم دینی بود، ولی برای آن‌که نشان دهد نمایش‌های بزرگ عروسکی چگونه ساخته می‌شوند، کافی است.

در اندونزی نیز مذهب و نمایش عروسکی پیوستگی عمیقی داشته‌اند. بی‌تردید در قرن یازدهم نمایش عروسکی در جاوه و احتمالاً در بالی، شکوفا بوده است. این شکوفایی پس از تغییر دین به اسلام _ که با ورود مسلمانان به سال ۱۴۷۵ میلادی اتفاق افتاد _ نیز ادامه یافت. امروزه وایانگ یا نمایش



سایه و تأثر به صورت دو شکل اصلی باقی مانده‌اند. در بنگال نیز نوعی نمایش عروسکی میله‌ای به وجود آمد که به اعتقاد **بیل برد**، با دین هندو به شرق رفته و به صورت وایانگ در آمده است. **میگوئل کووارا ایباز**، معتقد است که نمایش‌های وایانگ، کیفیت آیینی و رمزآمیز خود را حفظ کرده و تصور می‌رود که اساساً نوعی نمایش مذهبی بوده که برای طلب کمک و آرزوی روح پیشینیان اجرا می‌شده است. ارواح پیشینیان برای اعضای خانواده، به صورت سایه‌هایی ظاهر می‌شدند. به تدریج وظیفه بزرگ خانواده، به دالانگ‌های حرفه‌ای - که به عنوان واسطه‌ای بین خانواده و ارواح پذیرفته شده بودند - سپرده شد. آن‌ها به مناسبت‌های گوناگون، بشارت‌های الهی را با موعظه‌های فلسفی و اخلاقی خود بازگو می‌کردند. در جاوه نیز هم‌چون هند، عروسک‌هایی وجود دارد با نام دالانگ. اعتقاد بر این است که «شخصیت‌های هندو در اندونزی، جدال بین نیکی و بدی را



نمایش می‌دهند. هر یک از آن‌ها، بدون آن‌که بر دیگری سایه اندازه و یا پیچیدگی در نمایش به وجود آورد، تقوا و خرد را به خود نسبت می‌دهد. دالانگ رامایانا و مهابهارات را روی پرده می‌آورد. این متون حماسی و باستانی سانسکریت، از طریق روابط تجاری و غلبه هندی‌ها بر سرزمین‌های مالزی، اندونزی، کامبوج و تایلند (سیام قبلی) وارد این سرزمین‌ها شده است. به اضافه رامایانا و مهابهارات، روایات قدیم و جدید و همین‌طور افسانه‌های دیگری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. «در جاوه، وایانگ کولیت با حرکت دادن گانونگان (به معنی تپه) شروع می‌شود. شخصیت محوری این نوع نمایش، **داساموکه** است که خدا و مردم به دلیل اعمال خشمش ترسیده‌اند و عاقبت خدای **ویشنو** وارد می‌شود و او را شکست می‌دهد. دیو، قول اطاعت و فرمان‌برداری می‌دهد و از این طریق نجات می‌یابد، اما خیلی زود اعمال بدش را از سر می‌گیرد. جنگ و گریزهای فراوانی بین **ویشنو** (با ظاهر **راما**) و **داساموکه** (که **راوانا** نیز نامیده می‌شود) در می‌گیرد. **راوانا**، **سیتا**، همسر **راما** را می‌رباید و در قصرش پنهان می‌کند. بهترین دوست راما، **پانومان** است که با لشکرش ناامیدانه با دیو می‌جنگند و عاقبت بر دیو غلبه یافته و **سیتا** را از چنگ او بیرون می‌آورند. به این ترتیب، **راوانای** دیو نابود می‌شود.

«مبدأ و منشأ نمایش کلاسیک عروسکی ژاپن، برمی‌گردد به کیوگیو توسو - شیها. آن‌ها شکارچیان بودند که در خلال دوران استراحت‌شان، نمایش عروسکی اجرا می‌کردند. واضح است که در آغاز، موضوع‌های ساده و شیوه‌های محدود و مشخصی را برای اجرا انتخاب می‌کردند، اما به مرور زمان، اضافه بر داستان‌های متنوع عامیانه، داستان‌هایی از زندگی بودا را نیز به نمایش در آوردند. از آن‌جا که این نمایش‌ها برپایه معتقدات مذهبی بود، روز به روز به تعداد تماشاگران و هواداران آن افزوده می‌گشت. شکارچیان مزبور، نمایش عروسکی مبتنی بر داستان‌های زندگی بودا را سه کیو می‌نامیدند.

در باره **نقش عروسک در آیین و مناسک ایرانیان، بهروز غریب پور**، در کتاب «**ورودی به قلمرو شبه عروسک‌ها**»^{۱۱} می‌نویسد: در ایران در دوران‌های پیش از تاریخ، از گل، سنگ و سایر مواد، شبه عروسک می‌ساخته و استفاده‌های مذهبی می‌کرده‌اند. در بسیاری از مراسم صد ساله اخیر نیز از شبه عروسک‌های پنبه‌ای، خمیری و گلی استفاده‌های آیینی می‌کرده‌اند، آن‌چنان‌که در بعضی مراسم، شبه عروسکی می‌ساخته‌اند که پس از پایان مراسم آن را به آتش می‌کشیده‌اند. در کتاب «**عجایب المخلوقات**»، در مورد رسم هر ساله‌ای که در پانزدهم دی ماه صورت می‌گرفته، چنین نوشته شده است: در این روز صورتی سازند از عجین (خمیر) یا از گل و در رهگذر بنهند و او را خدمت کنند؛ چنان‌که ملوک را. آن‌گه به آتش کشند؛ یا این‌که هنگام بی‌بارانی و خشکسالی در کردستان، شبه عروسکی به نام ووله بارانی (عروسک باران) ساخته شده، به وسیله دختران و پسران در ده گردانده می‌شود و آن‌را به در خانه‌ها می‌برند و صاحب‌خانه‌ها برای رفع شر و از میان برداشتن مانع بارش باران، به سر شبه عروسک سوزنی فرو می‌کنند...

در غرب

در این‌جا به ذکر نمونه‌هایی در غرب می‌پردازیم: پس از رنسانس، اجازه استفاده از عروسک‌ها و شبه قدیسین، در کلیساهای انگلستان صادر شد. پس از صدور این مجوز، در مراسم مذهبی شبیه قدیسین به کار برده می‌شد. در همان ایام، مردم به تماشای نمایش‌هایی می‌رفتند که تماماً به وسیله عروسک مکانیکی بازی می‌شد.

موضوعات دیگر، «آفرینش جهان» و «توفان نوح» بود. بعدها در قرن نوزدهم، نبردها، بردگان حین کار و توفان در دریا

اجازه به نمایش درآمدن داشتند. حتی امروزه در خلال عید کریسمس، می‌توان در میدان دئومودی میلان یا در جلوی بسیاری از کلیساهای ایتالیا، صحنه‌های مکانیکی از ولادت حضرت مسیح (ع) دید؛ صحنه‌هایی که تمامی اشخاص آن عروسک‌هایی شبیه مقدسین می‌باشند.

رایج‌ترین صحنه ولادت حضرت مسیح (ع)، صحنه‌ای است که سربازان **هرود** را در تعقیب عیسی نشان می‌دهد. در این صحنه، زنان در آسیاب مشغول کارند، دهقانان زمین را شخم می‌زنند و یکی از خردمندان، **بالتازار**، عمامه بسیار بزرگی به سر دارد. این سنت، به‌وسیله **پوپه لیبریوس**، در سال ۳۵۴ میلادی پایه‌گذاری شد و به مرور بازسازی صحنه‌های این چینی در تمام اروپا رایج گردید.

در نمایش عروسکی آلمان، اضافه بر محتوای افسانه‌ای و حماسی نمایش‌ها، از داستان‌ها و روایت مذهبی اواخر قرون وسطی نیز استفاده می‌شده است. جالب توجه این است که در این نوع نمایش‌ها، حضار نیز سهمی از اجرا را به عهده داشته‌اند. در همین دوران است که نمایش عروسکی را «پادشاهی بهشت» می‌نامند (این عنوان برگرفته از احادیث و روایات مذهبی است).^{۱۲}

«سال ۱۴۴۳ در کلیسای سنت جیمز دیپه، در یک ترعه ساحلی فرانسه، مراسم عشای ربانی که به نام نمایش‌های مذهبی نیمه ماه اوت معروف است، برای بزرگداشت صعود مریم مقدس به آسمان برگزار می‌شود. صحنه که سرود خوانان عرض آن را پر کرده‌اند، تا سقف کلیسا ادامه دارد. بر بالای طاق کلیسا، در زیر سقف که با خورشید طلایی و ستارگان بلورین تزئین شده است، فرشتگان به دور تخت خداوند در حال پرواز هستند. خداوند، پیرمردی معظم است که تاجی بر سر و لباس پادشاهان به تن دارد و بر ابرها تکیه داده است.»^{۱۳}

نمایش‌های سزوپکا در مقابل محراب یا در فضای باز و روی یک میز، جایی که نوازندگان می‌نواختند و کشیشان یا بازی‌دهندگان داستان را نقل می‌کردند، اجرا می‌شده است. در روسیه

قدیم نیز سزوپکا را می‌شناخته‌اند. در اوکراین و روسیه سفید، به نام برتپ معروف بوده است و در دیگر ایالات، عروسک‌ها در کلیسای جامع _ که نقاشی شده و با گنبدهای طلایی‌اش شبیه کلیسای واقعی بود _ به اجرای نقش می‌پرداختند. نمایش‌ها اغلب در سه سطح به‌مثابه بهشت، زمین و دوزخ ارائه می‌شده است. اجراهای سزوپکا تا امروز در لهستان ادامه داشته و این نمایش‌های عروسکی با کیفیت عالی در اعیاد مذهبی، در خیابان‌ها و در کلیساها اجرا می‌شوند. حتی امروزه نیز در ترکیه، نمایش‌های عروسکی (به ویژه قره‌گوز) در ماه رمضان، در مکان‌هایی مانند قهوه‌خانه‌ها اجرا می‌شوند.

«از جمله اولین نمایش‌های عروسکی در آمریکا که توسط **پیینو**، در تماشاخانه‌ای واقع در جنوب شرقی نیویورک اجرا می‌شد، نمایش‌های مذهبی بوده است. کنستانتین روی تخت دراز کشیده و زره اش کنار می‌رفت و پوست سرخ گونه اش با لکه‌های سیاه سیاه و زرد و قرمز جذام آشکار می‌شد. از حکیم‌های محلی تا شیطان، هیچ یک قادر به کمکش نبودند. اما زمانی که سرانجام کنستانتین اجازه می‌دهد پاپ بر بالینش بیاید و او را به دین جدید ارشاد کند، لکه‌های مقوایی قهوه‌ای رنگ روی بدنش، به شکلی نمایشی به سوی آسمان پرواز می‌کنند. هر لکه، به‌وسیله نخ سیاه، لکه دیگری را به دنبال خود می‌کشد.»^{۱۴}



پی‌نوشت:

- ۱- محمدی، محمد هادی و قاینی، زهره، تاریخ ادبیات کودکان، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰.
- ۲- تمیم‌داری، همان، ص ۴۹.
- ۳- تقوی، محمد، حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، ۱۳۵۷، ص ۳۸.
- ۴- سنگری، محمدرضا، هدف‌ها و شیوه‌های داستان‌پردازی قرآن، ۱۳۷۳، ص ۴۵.
- ۵- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، تفسیر طبری، ۱۳۷۴، ص ۱۶.
- ۶- افقهی، عبدالله، گزیده‌هایی از صور خیال در نثر فارسی، ص ۳۷.
- ۷- عرب عاصی، حیوان در قصه‌های کودکان، ۱۳۶۸، ص ۴۹.
- ۸- محمد هادی محمدی، زهره قاینی، ادبیات کودکان (پس از اسلام) ص ۵۳ و ۵۴.
- ۹- حکیمی، محمود، مبانی ادبیات کودک و نوجوان، ۱۳۸۳.
- ۱۰- همان، ص ۵۴.
- ۱۱- غریب‌پور، بهروز، ورودی به قلمرو شبه عروسک‌ها، ص ۱۰.
- ۱۲- برد، همان، صص ۳۲، ۳۴، ۳۵ و ۳۸-۴۲.
- ۱۳- همان، صص ۷۱ و ۷۰.
- ۱۴- همان، ص ۱۴، ۱۴۷.